

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

١٠٧٤٣٣



دانشگاه شهید بهشتی

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه زبان و ادبیات فارسی

پایان نامه

برای دریافت درجه دکترای تخصصی (ph.D) در رشته

زبان و ادبیات فارسی

موضوع:

تأثیر قرآن بر صور خیال چند شاعر برجسته تا پایان قرن ششم هجری

(ناصر خسرو، سنایی، انوری، خاقانی و نظامی)

استاد راهنما:

دکتر سیدعلی محمد سجادی

استادان مشاور:

دکتر محمد غلامرضایی

دکتر سیدجعفر حمیدی

به کوشش:

امیر مؤمنی هزاوه

پاییز ۱۳۸۷ فورشیدی

۱۷/۱/۷۸۷
۸۷/۱/۱۵

اطلاعات مربوط به کتاب
شیراز

۱۳۸۷ / ۱۰ / ۶

۱۰۶۴۳۳

کتابخانه جامع امام رضا (ع) مشهد
با مهر ۱۹۱۵ در سینه عالی رفیق
۱۷/۸/۶

تقدیم به:

پدر و مادرم که در فراز و فرود زمانه
همتشان بدرقه راهم بوده است - و همسر و
فرزندانم که روزگارم از برکت وجودشان
روتی یافته است.

با تشکر و سپاس از

همهٔ معلمان و استادانی که از آغاز تا انجام تحصیل، دانش و ارزش خویش را از من دریغ نداشتند و سخاوتمندانه مرا یاری کردند. به ویژه استادان راهنما و مشاور جناب آقای دکتر سید علی محمد سجادی، جناب آقای دکتر محمد غلامرضایی و جناب آقای دکتر سید جعفر حمیدی؛ و از مدیر محترم انتشارات نویسنده جناب آقای علی فرهادی و همکاران ارجمندشان خصوصاً سرکار خانم زینب حیدری و آقای محسن رنجبر که تحریر و تنظیم این رساله حاصل زحمت فراوان و دقت نظر ایشان است.

چکیده

در رساله حاضر کوشش شده است ضمن بحث درباره مفهوم تأثیر قرآن بر شعر فارسی و جنبه‌های مختلف آن، اشکال گوناگون تأثیر قرآن بر صور خیال اشعار ناصر خسرو، سنایی، انوری، خاقانی و نظامی بررسی شود. بر همین اساس ابتدا درباره مفهوم تأثیر و مسائل مربوط به آن و سپس درباره مفهوم صور خیال و عناصر تشکیل دهنده آن بحث شده است. آنگاه در پنج فصل متوالی تأثیرپذیری عناصر بیانی صور خیال، مجاز، استعاره، تشبیه و کنایه و عناصر بدیعی آن، مبالغه، ایهام و تجاهل العارف از جنبه‌های لفظی و معنوی قرآن همراه با نمونه‌ها و شواهد مثال بررسی شده است.

کلید واژه‌ها: تأثیر، قرآن، صور خیال، شعر فارسی، مجاز، تشبیه، استعاره، کنایه، مبالغه، ایهام، تجاهل العارف.

فهرست

پیشگفتار.....	۱
فصل اول - کلیات	
بخش اول- مقدمه.....	۹
۱- مسأله تحقیق.....	۹
۲- پرسش‌های اصلی تحقیق.....	۹
۳- فرضیه‌های تحقیق.....	۹
۴- ضرورت تحقیق.....	۱۰
۵- پیشینه تحقیق.....	۱۰
۶- هدف‌های تحقیق.....	۱۰
۷- روش تحقیق.....	۱۱
بخش دوم - تعاریف.....	۱۲
۱- تأثیر.....	۱۲
۱/۱- مفهوم تأثیر.....	۱۲
۲/۱- تأثیر و سرقات ادبی.....	۱۳
۳/۱- تأثیر قرآن و اصطلاحات وابسته به آن.....	۱۴
۴/۱- شیوه‌های تأثیرپذیری از قرآن کریم.....	۱۹
۵/۱- اقسام تأثیرپذیری از قرآن کریم.....	۲۳
۶/۱- کاربردهای تأثیرپذیری از قرآن کریم.....	۲۴
۱/۶/۱- تأثیر پذیری از قرآن برای بیان مفاهیم قرآنی و دینی.....	۲۴
۲/۶/۱- تأثیرپذیری از قرآن برای بیان مفاهیم شعری و ادبی.....	۲۶
۷/۱- پیشینه تأثیرپذیری از قرآن کریم.....	۲۸
۸/۱- نظر عالمان دین درباره تأثیرپذیری از قرآن کریم.....	۳۳
۲- صور خیال.....	۳۶
۱/۲- مفهوم صور خیال.....	۳۶
۲/۲- عناصر صور خیال.....	۳۷

فصل دوم - تأثیر قرآن بر عناصر بیانی صور خیال

بخش اول - مجاز.....	۳۹
۱- مقدمه.....	۳۹
۱/۱- تعریف مجاز.....	۴۰
۲/۱- اقسام مجاز.....	۴۰
۱/۲/۱- مجاز عقلی.....	۴۰
۳/۲/۱- مجاز لغوی.....	۴۱
۳/۱- علاقه‌های مجاز مرسل.....	۴۱
۲- تأثیر قرآن بر کاربرد مجاز.....	۴۲
بخش دوم - تشبیه.....	۸۰
۱ - مقدمه.....	۸۰
۱/۱- تعریف تشبیه.....	۸۰
۲/۱- ارکان تشبیه.....	۸۰
۳/۱- اقسام تشبیه.....	۸۰
۱/۳/۱- اقسام تشبیه بر مبنای ارکان اصلی آن.....	۸۰
۲/۳/۱- اقسام تشبیه بر مبنای ارکان غیر اصلی.....	۸۲
۳/۳/۱- سایر اقسام تشبیه.....	۸۳
۲- تأثیر قرآن بر کاربرد تشبیه.....	۸۵
بخش سوم - استعاره.....	۲۱۲
۱- مقدمه.....	۲۱۲
۱/۱- تعریف استعاره.....	۲۱۲
۲/۱- ارکان استعاره.....	۲۱۲
۱/۲/۱- مستعارله.....	۲۱۲
۲/۲/۱- مستعارمنه.....	۲۱۲
۳/۲/۱- جامع.....	۲۱۲
۴/۲/۱- مستعار.....	۲۱۲
۳/۱- اقسام استعاره.....	۲۱۲
۱/۳/۱- استعاره اصلی،.....	۲۱۲
۲/۳/۱- استعاره تبعیه.....	۲۱۳
۳/۳/۱- استعاره تحقیقه.....	۲۱۴
۴/۳/۱- استعاره تخیلیه.....	۲۱۴
۵/۳/۱- استعاره وفاقیه.....	۲۱۴
۶/۳/۱- استعاره عنادیه.....	۲۱۴
۷/۳/۱- استعاره مفرده.....	۲۱۴
۸/۳/۱- استعاره مرکبه یا تمثیلیه.....	۲۱۴

۲۱۵	۲- تأثیر قرآن بر کاربرد استعاره
۲۸۲	بخش چهارم - کنایه
۲۸۲	۱- مقدمه
۲۸۲	۱/۱- تعریف کنایه
۲۸۲	۲/۱- فرق مجاز و کنایه
۲۸۲	۳/۱- اقسام کنایه
۲۸۲	۱/۱/۳/۱- کنایه از موصوف (اسم)
۲۸۳	۲/۱/۳/۱- کنایه از صفت
۲۸۳	۳/۱/۳/۱- کنایه از مصدر
۲۸۳	۱/۲/۳/۱- کنایه قریب
۲۸۳	۲/۲/۳/۱- کنایه بعید
۲۸۳	۱/۳/۳/۱- تعریض
۲۸۳	۲/۳/۳/۱- تلویح
۲۸۴	۳/۳/۳/۱- رمز
۲۸۴	۴/۳/۳/۱- ایما
۲۸۵	۲- تأثیر قرآن بر کاربرد کنایه

فصل سوم - تأثیر قرآن بر عناصر بدیعی صور خیال

۳۴۱	بخش اول - مبالغه
۳۴۱	۱- مقدمه
۳۴۱	۱/۱- تعریف مبالغه
۳۴۲	۲- تأثیر قرآن بر کاربرد مبالغه
۳۵۵	بخش دوم - ایهام
۳۵۵	۱- مقدمه
۳۵۵	۱/۱- تعریف ایهام
۳۵۷	۲- تأثیر قرآن بر کاربرد ایهام
۳۶۱	بخش سوم - تجاهل العارف
۳۶۱	۱- مقدمه
۳۶۱	۱/۱- تعریف تجاهل العارف
۳۶۱	۲- تأثیر قرآن بر کاربرد تجاهل العارف
۳۶۵	فصل چهارم - نتیجه گیری
۳۶۷	منابع و مأخذ

پیشگفتار

در میان کتاب‌های آسمانی قرآن کریم تنها کتابی است که در کنار اهمیت و امتیاز دینی و عقیدتی، از برجستگی و تشخیص ادبی نیز برخوردار است. این کتاب در عین پرداختن به مسائل اعتقادی و در بر داشتن معارف و احکام گوناگون، از آغاز پیدایی به عنوان نمونه اعلامی فصاحت و بلاغت توجه مخاطبان سخت‌پسند و نکته‌سنج عرب را به خود مشغول داشت و زمان زیادی نگذشت که سرمشق و الگویی تمام‌عیار برای سخنوران و گویندگان عرب شد. با گسترش حوزه نفوذ اسلام و آشنایی سایر اقوام و ملل با قرآن، دامنه تأثیر و نفوذ ادبی این کتاب نیز فزونی یافت و به سرعت مرزهای ادبی و فرهنگی ملت‌های بسیاری را درنوردید و آثار ذوقی و ادبی آنان را از خود متأثر ساخت.

در این میان ایرانیان در عین حال که با اسلام و تعالیم آن آشنا شدند و آن را جایگزین دین و عقاید پیشین خود کردند، از جنبه‌های ادبی قرآن نیز اثر پذیرفتند و آن را در آثار خویش نمایان کردند. از این روست که تحقیق در جنبه‌های مختلف تأثیر قرآن بر ادب فارسی می‌تواند عاملی مهم در فهم بهتر و روش‌تر متون ادبی فارسی به شمار آید. بر همین اساس در رساله حاضر با محدود کردن موضوع تحقیق به تأثیرپذیری از قرآن در کاربرد عناصر بیانی و بدیعی صور خیال، سروده‌های پنج تن از شاعران برجسته تاریخ ادبیات فارسی بررسی شده است. محقق در این بررسی کوشیده است درباره الفاظ و مفاهیمی که شاعران مذکور از قرآن اخذ و در شعر خود ذکر کرده‌اند، بحث و بررسی کند و با مراجعه به تفاسیر کهن و غیرکهن عربی و فارسی ابهامات آنها را برطرف سازد. علاوه بر آن در فصل نخست رساله کوشیده است مفهوم تأثیر را به عنوان اصطلاحی ادبی بررسی کند و اصطلاحات مربوط به آن را که در کتب بدیع مذکور است، طرح و آنها را با هدف رفع ابهام از تعاریف و مصادیقشان بازنگری کند. بی‌گمان در این کار که ابتدا دشواری آن چندان نمی‌نمود، اما در عمل صعوبت و دشواری‌های بسیار داشت، آنچه از درستی و قوت به چشم می‌خورد، نتیجه راهنمایی‌های استادان محترم راهنما و مشاور است و آنچه از ضعف و کاستی وجود دارد، جز به دلیل ناپختگی و نوپایی محقق در گذرگاه تنگ تحقیق و پژوهش نیست.

فصل اول

کلیات

بخش اول - مقدمه

۱- مسأله تحقیق

قرآن کریم بر ادب اسلامی که عمدتاً در سه زبان عربی، فارسی و ترکی ظهور یافته است، تأثیری فراوان نهاده است. این تأثیر از یک سو محتوایی است و از دیگر سو مربوط است به جنبه‌های بیانی و اسلوب سخن‌پردازی. طرز بیان و شیوه انشای قرآن که یکی از وجوه اعجاز این کتاب است، به گونه‌ای توجه مسلمانان را به خود معطوف ساخت که علوم ادبی عربی به ویژه علم بلاغت عمدتاً با هدف بررسی اعجاز قرآن مضبوط و مدون گشت و راه را برای پدیدآوردن آثاری بزرگ و برجسته چون مجازالقرآن از ابو عبیده معمر بن مثنی، اسرارالبلاغه و دلائل الاعجاز از امام عبدالقاهر جرجانی، نهایت‌الایجاز از امام فخرالدین رازی و ... هموار کرد.

میان ایرانیان مسلمان نیز قرآن از آغاز جایگاهی خاص و موقعیتی ممتاز داشته است. تلاش ایرانیان در جنبه‌های مختلف قرآن‌پژوهی از جمله تدوین علوم بلاغی با هدف درک بهتر و صحیح‌تر قرآن قابل انکار نیست. چنان که از سهم ایرانیان در تدوین علوم بلاغت نمی‌توان چشم پوشید. علاقه ایرانیان به قرآن و کاوش‌های علمی و ادبی آنان در این کتاب آسمانی زمینه بسیار مساعدی فراهم آورد تا ادب فارسی از قرون اولیه اسلامی تحت تأثیر قرآن کریم قرار گیرد. تأثیر قرآن بر ادب فارسی دری با گسترش اعتقادات و عواطف دینی در جامعه ایرانی به تدریج فزونی یافت و در سده ششم هجری به اوج خود رسید. انس بیش از حد شاعران فارسی‌گو با قرآن کریم، این فرضیه را پدید می‌آورد که قرآن بر صور خیال شعر فارسی تأثیری فراوان بر جای نهاده است.

۲- پرسش‌های اصلی تحقیق

۱/۲- چه جنبه‌هایی از قرآن بر صور خیال شاعران مورد نظر (ناصرخسرو، سنایی، انوری، خاقانی و نظامی) تأثیرگذار بوده است؟

۲/۲- صور خیال در شعر شاعران مورد نظر به چه شیوه‌ای از قرآن اثرپذیرفته است؟

۳/۲- صور خیال متأثر از قرآن، در شعر شاعران مورد نظر چه کاربردهایی دارد؟

۳- فرضیه‌های تحقیق

۱/۳- الفاظ و مفاهیم قرآن کریم بر صور خیال شاعران مورد نظر تأثیرگذار بوده است.

۲/۳- تأثیر قرآن کریم بر صور خیال شاعران مورد نظر وجوهی گوناگون دارد؛ برخی از آن وجوه با اصطلاحاتی چون اقتباس، عقد و تلمیح در فنون ادبی نامگذاری شده است و برخی دیگر در فنون ادبی نامی معین ندارد.

۳/۳- صور خیال متأثر از قرآن کریم در شعر شاعران مورد نظر، دو کاربرد کلی دارد:

۱/۳/۳- در بیان مفاهیم دینی و اخلاقی

۲/۳/۳- در بیان مفاهیمی دیگر چون مفاهیم تغزلی، اجتماعی، اقتصادی، توصیفی و ...

۴- ضرورت تحقیق

اطلاع از منابعی که شاعران در خلق آثار خود مورد نظر داشته‌اند، عاملی بسیار مهم در فهم مضامین و درک پیام‌های مندرج در آثار آنان است. بنابراین توجه به قرآن کریم - که یکی از منابع مهم الهام‌بخش در پدیدآمدن آثار برجسته شعر فارسی است - و تلاش برای آشکارتر کردن پیوند موجود میان قرآن و شعر فارسی، راه را برای فهم بهتر متون شعری و درک زیبایی‌های آن هموار می‌سازد. علاوه بر آن توجه به مضامین و مفاهیم قرآنی - که عنصری مهم در نقد بلاغی شعر فارسی است - می‌تواند زمینه مساعدی برای راهیابی به ژرف‌ساخت‌های هنری شعر فارسی ایجاد کند. بر همین اساس تحقیق و کاوش در وجوه پیوند قرآن و شعر فارسی ضرورت می‌یابد و اهمیت آن نمایان می‌شود.

۵- پیشینه تحقیق

در موضوع تأثیر قرآن بر صور خیال شعر فارسی تا آنجا که جستجو شد، تحقیق مستقلی انجام نشده است اما کتاب‌هایی با عنوان کلی تأثیر قرآن و حدیث بر شعر فارسی یا ادبیات فارسی نشر یافته است که عموماً شامل مباحثی کلی همراه با ذکر نمونه‌هایی از آیات قرآن کریم و احادیث نبوی و سپس تطبیق آن با ابیات و عباراتی از متون نظم و نثر فارسی است. در این قبیل آثار به دلیل کلی بودن موضوع و گستردگی دامنه تحقیق، تأثیر قرآن بر تصویرهای شعری و پیونده بلاغی شعر فارسی با قرآن کریم بررسی نشده است. عناوین مهم این آثار عبارت است از:

- ۱/۵- تأثیر قرآن و حدیث در ادب فارسی از دکتر علی‌اصغر حلبی.^۱
- ۲/۵- تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی از سید محمد راستگو.^۲
- ۳/۵- در قلمرو آفتاب از دکتر علی محمد مؤذنی.^۳
- ۴/۵- گزیده‌ای از تأثیر قرآن بر نظم فارسی از سید عبدالحمید حیرت سجادی.^۴

۶- هدف‌های تحقیق

هدف‌های مورد نظر از انجام این تحقیق عبارت است از:

- ۱- تأثیر قرآن و حدیث در ادب فارسی، دکتر علی‌اصغر حلبی. تهران: دانشگاه پیام نور، چاپ اول، ۱۳۶۹.
- ۲- تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی، سید محمد راستگو، تهران: سمت، ۱۳۷۶.
- ۳- در قلمرو آفتاب، علی محمد مؤذنی، تهران: قدیانی، ۱۳۷۲.
- ۴- گزیده‌ای از تأثیر قرآن بر نظم فارسی سید عبدالحمید حیرت سجادی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۱.

- ۱/۶- تبیین رابطه موجود میان الفاظ و مفاهیم قرآن کریم با تصاویر شعری متون نظم فارسی.
۲/۶- نشان دادن اهمیت مضامین و مفاهیم قرآنی در نقد بلاغی شعر فارسی.
۳/۶- توجه دادن به اهمیت قرآن کریم در فهم بهتر متون شعری فارسی و درک کامل تر صور خیال آن.

۷- روش تحقیق

تحقیق در موضوع مورد نظر به صورت تطبیقی - تحلیلی و با استفاده از فن کتابخانه‌ای برای جمع‌آوری اطلاعات است. بدین ترتیب که ابتدا با مراجعه به دیوان‌های شاعران مورد نظر ابیاتی که تحت تأثیر قرآن کریم، در بردارنده تصویری خیالی است، جمع‌آوری و دسته‌بندی می‌شود؛ سپس با مراجعه به منابع و مآخذ مختلف، اطلاعات گردآوری شده تحلیل و بررسی خواهد شد.

بخش دوم - تعاریف

۱- تأثیر

۱/۱- مفهوم تأثیر

تأثیر^۱ در لغت به معنی اثر و نشان گذاشتن در چیزی است.^۲ برخی محققان معاصر این کلمه را در زمره مصطلحات ادبی ذکر کرده‌اند و آن را دربردارنده دو معنا دانسته‌اند؛ یکی تأثیر ذهنی و روحی که نویسندگان می‌کوشند در ذهن و قلب خوانندگان به وجود آورند و دیگری اثرپذیری نویسنده‌ای از نویسنده دیگر.^۳ محققان اروپایی نیز این کلمه را به عنوان اصطلاحی ادبی در ترکیب «Affective Fallacy» به کار برده‌اند. این ترکیب که در زبان فارسی به «دام تأثیر»، «دام احساس» و «مغلطه تأثیر» ترجمه شده است،^۴ به معنای تأثیر محتوای کلام بر خواننده است.^۵

در نقد ادبی دو اصطلاح نقد نفوذ^۶ و نقد منبع^۷ دربردارنده مفهوم تأثیر است. در نقد نفوذ ناقد بیشتر به این نکته توجه دارد که از اثر ادبی پس از آن که پدید آمده است، به چه میزان اخذ و تقلید و اقتباس شده است.^۸ براساس نقد منبع نیز ناقد می‌کوشد شباهت میان آثار ادبی را دریابد و با در نظر گرفتن آن به بررسی متون پردازد.^۹ این روش در تاریخ ادبیات جهان سابقه‌ای ممتد دارد چنان که در یونان و روم، شارحان کتب مواردی را که در میان آثار شاعران مشترک، مشابه بوده است، خاطر نشان می‌کرده‌اند.^{۱۰} علاوه بر آن اصطلاح روابط بینامتنی^{۱۱} نیز که نخستین بار منتقدی روسی به نام ویکتور شکلوفسکی^{۱۲} آن را در مباحث فرمالیسم مطرح کرد، ناظر بر مفهوم تأثیر است. بر اساس این روش متون ادبی با توجه به متون دیگر خوانده می‌شود، بدین معنا که چون متون گذشته با متون امروزی و متون امروزی با متونی که در آینده نوشته می‌شود، مرتبط و به هم پیوسته است، نمی‌توان آنها را بی‌یکدیگر در نظر گرفت و خواند.^{۱۳}

1 - Affect

۲ - دهخدا، لغت‌نامه، زیر تأثیر.

۳ - بنگرید: جمال و میمنت میرصادقی، واژه‌نامه هنر داستان‌نویسی، زیر تأثیر.

۴ - بنگرید: شمیسا، نقد ادبی، ۲۳۸.

5 - see. Abrams, A Glossary, s.v[Affective fallacy]; Cuddon, A Dictionary, s.v [Affective fallacy]

۶ - بنگرید: زرین‌کوب، نقد ادبی، ۱۱۳/۱.

۷ - همان، ۱۱۲.

۸ - همان، ۱۲۶.

۹ - همان، ۹۷.

۱۰ - همان.

11 - intertextuality relationships.

12- Victor shklovsky.

13- See. Abrams, Ibid, 258.

۲/۱- تأثیر و سرقات ادبی

در آثار پیشینیان ما تأثیر و اثره‌ای ادبی به شمار نمی‌آمده است. اما بعضی از مباحثی که با عنوان سرقات ادبی در کتب آنان مطرح است، در بردارنده مفهوم تأثیر است. در کتب قدما سرقات ادبی به چهار قسم اصلی تقسیم شده است؛ انتحال؛ سلخ، المام و نقل.^۱ واعظ کاشفی^۲ بحث سرقات را با عنوان «بیان عیوب نظم» در معایی که پیوند خاصی با جزئی از اجزای شعر ندارد، گنجانده است و ضمن آن که نقل و المام را یکی دانسته، مسخ را نیز به اقسام مذکور افزوده و از انتحال به نام مصالته، نسخ و سرقه نیز یاد کرده است.^۳ شمس‌العلمای گرکانی^۴ بر اقسام مذکور اغاره را با سه قسم مذموم، ممدوح و بغایت مذموم افزوده و المام و سلخ را یکی دانسته است و از نقل ذکری نکرده است^۵ و بالاخره جلال‌الدین همایی مجموع اقسام سرقات را یازده قسم دانسته است بدین ترتیب: ۱- نسخ یا انتحال ۲- مسخ یا اغاره ۳- سلخ یا المام ۴- نقل ۵- شیادی و دغل‌کاری-یلدزدی-بی‌پرگه و بی‌نام نشان ۶- حل ۷- عقد ۸- ترجمه ۹- اقتباس ۱۰- توارد ۱۱- تتبع و تقلید.^۶ ورود در شرح و توضیح هر یک از اقسام سرقات در محدوده تحقیق حاضر نمی‌گنجد و مقصود از ذکر اجمالی اقسام سرقات بیان این نکته است که در پاره‌ای از تعاریف و شواهد مذکور در بحث سرقات، می‌توان مسأله سرقت ادبی را منتفی و شباهت موجود میان شواهد را از باب تأثیر و تأثر دانست. مثال را شمس قیس در تعریف المام می‌گوید: «و اما المام [در لغت به معنی] قصد کردن و نزدیک شدن است به چیزی و در سرقات آن است که [شاعر] معنایی را فراگیرد و به عبارتی دیگر و وجهی دیگر به کار آرد چنانکه ارزقی گفته است:

صدف ز بیم یلان در شود به کام نهنگ ز خون به رنگ یواقیت رنگ کرده لال
و انوری از او برده است و نیکوتر از او گفته است:

قهر تو گر طلایه به دریا کشد شود در در صمیم حلق صدف دانه انار^۷
یا در تعریف نقل می‌گوید: «اما نقل آن است که شاعر معنی شاعری دیگر بگیرد و از بابی به بابی دیگر برد و در آن پرده بیرون آرد. چنانکه مختاری گفته است:

کجا شد آن ز قبای دریده دوخته چتر کنون بیاید چترش درید و دوخت قبا
رضی‌الدین نیشابوری به باب مدح برده است و گفته:
به عزم خدمت درگاه تو به هر طرفی بسا ملوک که از تاج می‌نهند کمر^۸

۱- شمس قیس، المعجم، ۴۷۶-۴۶۴.

۲- برای شرح احوال و آثار او بنگرید: صفا، تاریخ ادبیات، ۱۲۱/۴ و ۵۲۶-۵۲۳.

۳- بنگرید: کاشفی، بدائع‌الافکار، ۱۶۶ و ۱۶۷.

۴- برای شرح احوال و آثار او بنگرید: تهرانی، الذریعه، ۳۵۴ و ۳۸۱؛ برقی؛ سخنوران نامی معاصر، ۱۲۸/۲.

۵- بنگرید: شمس‌العلماء، ابداع‌البدائع، ۳۵۷-۳۵۵.

۶- همایی، فنون بلاغت، ۳۵۷.

۷- شمس قیس، همان، ۴۷۱.

۸- همان، ۴۷۳.

با دقت در نمونه‌های یادشده می‌توان گفت که انوری از ازرقی یا رضی‌الدین نیشابوری از مختاری در سرودن ابیات مذکور تأثیر پذیرفته است نه آنکه سرقت کرده است.

۳/۱- تأثیر قرآن و اصطلاحات وابسته به آن

در منابع قدیم چنانکه برخی محققان نیز تصریح کرده‌اند اخذ از قرآن کریم سرقت ادبی محسوب نشده است.^۱ بلکه درباره اخذ از قرآن اصطلاحاتی خاص استفاده شده است که دربرگیرنده همه شواهد و مواردی که از قرآن تأثیر پذیرفته است، نیست. به همین دلیل و به دلیل ارتباط این بحث با تحقیق حاضر، در ادامه به شرح بیشتر آنها می‌پردازیم.

اصطلاحاتی که قدما برای توصیف ابیات و عبارات تأثیرپذیرفته از قرآن وضع و عمدتاً در مباحث علم بدیع ذکر کرده‌اند، عبارت است از: اقتباس، عقد و تلمیح.^۲ برخی محققان معاصر اشاره، تضمین و حل یا تحلیل را نیز افزوده‌اند.^۳

۱/۳/۱- اقتباس

اقتباس در لغت به معنای گرفتن آتش و گرفتن پرتو نور و فروغ است.^۴ و در اصطلاح بنا بر تعریف سیوطی در اتقان تضمین بخشی از قرآن در نظم یا نثر است بدون گفتن قال‌الله تعالی و امثال آن.^۵ ازراری به تضمین کلامی از آیه‌ای یا آیه‌ای از آیات قرآن تصریح کرده و آن را نظر اجماع دانسته است.^۶ همایی گفته است: «اقتباس در اصطلاح اهل ادب آن است که حدیثی یا آیتی از کلام‌الله مجید یا بیت معروفی را بگیرند و چنان در نظم و نثر بیاورند که معلوم باشد قصد اقتباس است نه سرقت و انتحال در غیر این صورت محل تهمت سرقت است».^۷ تقوی گفته است: «آیه‌ای از قرآن یا فقره‌ای از حدیث یا مسأله‌ای از مسائل علوم در نظم و نثر درج شود بدون اشعار بر اینکه در قرآن یا حدیث یا در علوم است».^۸ کاشفی نیز تصریح کرده است که «شاعر در ترکیب کلام و ترتیب سخن آیتی از آیات قرآن یا حدیثی از احادیث نبوی یا مسأله‌ای از مسائل فقهی بر

۱ - بنگرید: همایی، همان، ۳۹۰.

۲ - بنگرید: ازراری، خزانه‌الادب، ۴۵۵/۲؛ سیوطی، اتقان، ۱۴۷/۱؛ کاشفی، همان، ۱۴۷ و ۱۴۸؛ مازندرانی، انوارالبلاغه، ۳۸۴ و ۳۸۷ و ۳۸۸؛ شمس‌العلماء، همان، ۷۵ و ۱۶۷ و ۲۶۹؛ تقوی، هنجار گفتار، ۲۵۹ و ۳۲۴؛ همایی، همان، ۳۲۸ و ۳۸۳؛ شمیسا، نگاهی تازه به بدیع، ۹۰ و ۹۴؛ وحیدیان، بدیع از دیدگاه زیبایی‌شناسی، ۷۶.

۳ - حلبی، تأثیر قرآن، ۶۵ و ۴۶؛ راستگو، تجلی قرآن و حدیث، ۳۳-۳۰.

۴ - رامپوری، غیث‌اللغات، زیر اقتباس.

۵ - سیوطی، همان.

۶ - ازراری، همان.

۷ - همایی، همان، ۳۸۳؛ ایشان احادیث مأثور، آیات قرآنی، اشعار معروف و آثار مشهور را از حکم سرقت استثناء کرده‌اند؛ چرا که به عقیده ایشان شهرت و معروفیت آنها قرینه‌ای برای نفی انتحال و سرقت است؛ بنگرید: همان، ۳۹۰.

۸ - تقوی، همان، ۳۲۴.

سیل تبرک و تیمن ایراد کند.^۱ مازندرانی نیز اقتباس را «تضمین کلامی از قرآن مجید یا از حدیث دانسته است بر وجهی که شعر بر آن نباشد که از قرآن مجید یا از حدیث است».^۲ و سرانجام شمس‌العلماء می‌نویسد: «اقتباس آن است که متکلم در نثر یا نظم چیزی از قرآن یا حدیث درج نماید نه به طور نقل و روایت».^۳ چنان که ملاحظه می‌شود در اکثر تعاریف مذکور حد دقیق اقتباس مشخص نشده است. یعنی معلوم نشده است گوینده بر اساس اقتباس تا چه حد جایز است از قرآن اخذ کند؛ در حد لفظ یا معنی و در صورت لفظ، در حد کلمه یا کلام. تعابیر بخشی از قرآن، آیتی از کلام‌الله مجید و چیزی از قرآن که در اکثر تعاریف آمده است، جامع و مانع نیست. در مثال‌هایی نیز که ذیل تعاریف مذکور آمده است این پوشیدگی مشهود است. البته در بیشتر نمونه‌ها موارد اخذ شده در حد کلام^۴ است. اما در نمونه‌هایی نیز کلمه و یا جمله‌ای از قرآن گرفته شده است چنان که در ایدع‌البدائع این بیت از سلمان ساوجی مثال آورده شده است:

صورت اقبال تو را بر جبین انسا فتحنالک فتحاً قریباً^۵

در بیت بالا آیه اول سوره فتح که کلام است، اقتباس شده است؛ سپس این بیت نیز از مسعود سعد سلمان ذکر شده است:

حصنی که به صد تیغ کس آن را نگرفت کلک تو کند عالیها سافلها^۶

که در آن دو کلمه از کلام «فَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا جَعَلْنَا عَالِيَهَا سَافِلَهَا» (هود، ۸۳). اقتباس شده است. نمونه دیگر مثال‌هایی است که در خزانه‌الادب آمده است:

أَوْحَىٰ إِلَيَّ عَشَّاقِهِ طَرْفُهُ هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ لِمَا تَوَعَّدُونِ
وَرِدْفُهُ يَنْطِقُ مِنْ خَلْفِهِ لِمِثْلِ ذَا فَلْيَعْمَلِ الْعَامِلُونَ^۷

مصرع دوم بیت اول، آیه ۳۶ سوره مؤمنون و مصراع دوم بیت دوم، با اندکی تفاوت (ذا به جای هذا) بخشی از آیه ۶۱ سوره صافات است. مثال دیگری که در کتاب مذکور آمده است دو بیت زیر است:

قُمْتُ لَيْلَ الصُّدُودِ إِلَّا قَلِيلاً ثُمَّ رَتَّلْتُ ذِكْرَكُمْ تَرْتِيلاً
وَوَصَّلْتُ الصُّدُودَ أَقْبَحَ وَصَلٍ وَهَجَرْتُ الرَّقَادَ هِجْرًا جَمِيلاً^۸

۱ - کاشفی، همان، ۱۴۷.

۲ - مازندرانی، همان، ۳۸۴.

۳ - شمس‌العلماء، همان، ۷۵.

۴ - مقصود از کلام جمله کامل است که نحویان در تعریف آن گفته‌اند: لفظ مفیدی است که سکوت بر آن جایز است؛ بنگرید: ابن عقیل، شرح ابن عقیل، ۱۴/۱.

۵ - شمس‌العلماء، همان، ۷۷.

۶ - همان.

۷ - ترجمه ابیات: چشمان او عاشقانش را به اشاره گفت: دور است، دور است آنچه به شما وعده می‌دهند و ندیمنش از پشتش می‌گوید: کوشندگان باید برای چنین چیزی بکوشند؛ ابیات از جمال‌الدین محمد بن حمیر الهمدانی شاعر قرن هفتم هجری است. بنگرید: ازرازی، همان.

۸ - ترجمه ابیات: شب جدایی جز اندکی به پای بودم سپس به یاد شما زمزمه می‌کردم و با بی‌خوابی به ناخوشایندترین صورت پیوستم و از آرامش به نیکویی دوری گزیدم؛ ابیات از کمال‌الدین بن نبیه شاعر قرن هفتم هجری است؛ بنگرید: همان.

در بیت اول، کلمات «قلیلاً» و «ترتیباً» به ترتیب برگرفته از آیات ۲ و ۴ سوره مزمل است و «قُمت» و «رُتلت» شکل‌های تغییر یافته از کلمه «قُم» و «رُتِل» است که در همان آیات آمده است^۱ و در مصراع دوم بیت دوم نیز «هجراً جمیلاً» ترکیبی است مقتبس از آیه ۱۰ سوره مزمل.^۲ چنانکه مشاهده می‌شود در دو بیت نخست دو جمله کامل و در دو بیت بعد چند کلمه از قرآن اخذ و شاهد مثال برای اقتباس ذکر شده است.

۲/۳/۱ - عقد

عقد در لغت به معنی گره‌بستن است.^۳ کاشفی در تعریف آن گفته است: در اصطلاح آن است که چیزی از قرآن یا حدیث ایراد کند نه بر طریق اقتباس بلکه الفاظ آن را تغییر دهد تا بر وزن راست آید اما مضمون همان باشد. مانند:

---بته ورع کوش زانکه شاه امین - گفته است الورع ملاک الدین^۴

در انوارالبلاغه عقد تضمین کلام نثری در شعر دانسته شده است. خواه آن نثر از قرآن مجید بوده یا از حدیث یا از امثال یا غیر آنها.^۵ سپس تصریح شده است که اگر کلامی از قرآن و حدیث تضمین شود باید تغییر بسیار یابد یا اشاره به آن شود که از قرآن و حدیث است تا از تعریف اقتباس خارج شود.^۶ شمس‌العلماء نیز تعریفی مشابه با تعاریف مذکور آورده و رعایت دو شرط را لازم دانسته است: مطابقت لفظ و معنی و ذکر تمام یا اکثر الفاظ اصل.^۷ در نتیجه مثلاً این بیت سعدی را از صنعت درج ندانسته است:

مرا شکیب نمی‌باشد ای مسلمانان ز روی خوب لکم دینکم ولی دینی^۸

زیرا در آن از لفظ معنایی دیگر عرضه شده است و نیز این بیت حافظ را:

آسمان بار امانت نتوانست کشید قرعه کار به نام من دیوانه زدند^۹

زیرا در آن تمام یا اکثر الفاظ اصل به نظم در نیامده است^{۱۰} و بیت زیر را از ظهیرالدین فاریابی برای عقده مثال آورده است:

۱ - يَا أَيُّهَا الْمَرْمُلُ قُمْ إِلَيْكَ إِلَّا قَلِيلًا يَضَعُكَ أَوْ أَنْقَضَ مِنْهُ قَلِيلًا أَوْ زِدَ عَلَيْهِ وَرَتِلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلاً (مزل، ۱-۴)؛ ای جامه به خود پوشیده؛ شب را به پای دار مگر اندکی را؛ نیمه‌اش را یا از آن اندکی بکاه؛ یا بر آن (نیمه) بیفزای و قرآن را شمرده و سنجیده بخوان.

۲ - وَأَصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَأَهْجِرْهُمْ هَجْرًا جَمِيلًا (مزل، ۱۰)؛ و شکبیا باش بر آنچه می‌گویند و از آنان دوری گزین؛ دوری گزیدنی به نیکویی.

۳ - دهخدا، همان، زیر حل، نقل از تاج‌المصادر بیهقی.

۴ - کاشفی، همان، ۱۴۸؛ مصراع دوم ناظر بر این حدیث از پیامبر (ص) است: يَلَاكُ الدِّينَ الْوَرَعُ؛ ملاک دینداری پارسایی است.

۵ - مازندرانی، همان، ۳۸۷.

۶ - همان، ۸۸.

۷ - شمس‌العلماء، همان، ۲۶۹.

۸ - برگرفته از لَكُرْ دِينُكَ وَلِي دِينِ (کافرون، ۶)؛ شما را دینتان و مرا دینم.

۹ - برگرفته از: إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا (احزاب، ۷۲)؛ ما آن امانت را بر آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها عرضه داشتیم پس از حملش ابا کردند و از آن ترسیدند و انسان حملش کرد به راستی او ستمگری نادان بود.

۱۰ - شمس‌العلماء، همان.

سپیده‌دم که شدم محرم سرای سرور شنیدم آیه توبوا إلى الله از لب حور^۱ و سرانجام شمیسا در تعریف عقد گفته است: «به مناسبت کلام آیه‌ای از قرآن مجید یا حدیث در کلام ذکر گردد» آنگاه به این بیت از فرصت شیرازی استشهاد کرده است:

ای به رخت زلف مسلسل شده ازلفت الجنّة للمتقین^۲

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود در تعاریف مذکور ملاک تفاوت اقتباس و عقد تغییر در کلام اصل است که در اقتباس جایز نیست ولی در عقد لازم است. اما محققان در اقتباس نیز تغییر را جایز دانسته‌اند چنان که ازراری تغییر لفظ اقتباس شده را به شکل افزودن، کاستن، تقدیم، تأخیر و آوردن اسم ظاهر به جای ضمیر جایز می‌داند^۳ و همایی برای تصحیح وزن آن را جایز شمرده است.^۴ تقوی نیز تصریح کرده است که تغییر اندک منافی با اقتباس نیست^۵ و مازندرانی گفته است در کلام مقتبس گاه اندک تغییری واقع می‌شود جهت ضرورت رعایت شعری.^۶ به علاوه برخی از تعریف‌های عرضه شده (مانند تعریف شمیسا) نیز با تعریف اقتباس تفاوتی ندارد. بر همین اساس مصادیق اقتباس و عقد در پاره‌ای موارد یکسان می‌شود و از یکدیگر قابل تمایز نیست چنان که بیت:

به ورع کوش ز آنکه شاه امین گفته است الورع ملاک المدين

که در بدائع الافکار مثال برای عقد ذکر شده است، می‌تواند مثال برای اقتباس نیز باشد.

۳/۳/۱- تلمیح

تلمیح در لغت به معنی نگاه سبک کردن به سوی چیزی^۷، نمودن و آشکارکردن^۸ و اشاره کردن به چیزی^۹ است و تعریف آن در تمام کتب بدیعی متضمن یک وجه مشترک یعنی اشاره داشتن به قصه‌ای یا داستانی است.^{۱۰} علاوه بر آن برخی ادیبان در تعریف تلمیح وجوه دیگری نیز ذکر کرده‌اند چنان که تقوی^{۱۱} اشاره به آیه‌ای از قرآن یا حدیث یا شعر مشهور و یا مثلی مشهور بدون ذکر آنها را افزوده^{۱۱} و این بیت را از سنایی مثال آورده است:

۱ - برگرفته از: يَتَأْتِيَا الَّذِيْنَ ءَامَنُوْا تُوْبُوْا اِلَى اللّٰهِ تُوْبَةً نُّصُوْحًا (تحریم، ۸)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به درگاه خداوند توبه‌ای خالص کنید.

۲ - شمیسا، نگاهی تازه به بدیع، ۹۴؛ برگرفته از: وَأُزْلِفَتْ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِيْنَ (شعراء، ۹۰ و ق، ۳۱)؛ و بهشت برای نیکوکاران نزدیک می‌شود.

۳ - ازراری، همان، ۴۵۶.

۴ - بنگرید: همایی، همان، ۳۹۱.

۵ - تقوی، همان.

۶ - مازندرانی، همان، ۳۸۵.

۷ - رامپوری، همان، زیر تلمیح.

۸ - دهخدا، همان، زیر تلمیح، نقل از ناظم‌الاطباء.

۹ - همان، نقل از اقرب‌الموارد.

۱۰ - کاشفی، همان؛ مازندرانی، همان، ۳۸۹؛ شمس‌العلماء، همان، ۱۶۷؛ تقوی، همان، ۲۵۹؛ همایی، همان؛ وحیدیان، همان، ۷۶؛ شمیسا، همان، ۹۰.

۱۱ - تقوی، همان.

چون ز اشغال خلق درمانیدی به ارحنا بلال را خواندی^۱ و همایی نیز اشاره به آیه و حدیثی مشهور را در تعریف تلمیح آورده^۲ و به این بیت از حافظ مثال زده است:

یا رب این آتش که بر جان من است سرد کن آن سان که کردی بر خلیل^۳ از محققان روزگار اخیر نیز وحیدیان کامیار به این که در تلمیح به آیه یا حدیث و یا شعری اشاره می‌شود تصریح کرده^۴ و بیت زیر را از حافظ شاهد آورده است:

یار مفروش به دنیا که بسی سود نکرد آن که یوسف به زر ناسره بفروخته بود^۵ در این میان از پیشینیان کاشفی و از محققان امروز شمیسا در تعریف تلمیح اشاره داشتن به آیه و حدیث را قید نکرده‌اند^۶؛ جز آن که شمیسا در پایان تعریف تلمیح متذکر شده است که در کتب قدما تناسب مطلب با اجزا یا پاره‌ای از مثل و حدیث و شعر هم تلمیح خوانده شده است.^۷ سپس^۸ این دو بیت از هاتف اصفهانی را مثال آورده است:

یار گسو بالغُسدو و الأصال یار جو بالعشی و الابکار
صد رخت لن ترانی ار گوید باز می‌دار دیده بسر دیدار^۹

اگر صرف اشاره داشتن بیت یا عبارتی را به قرآن تلمیح بدانیم و ابیاتی چون دو بیت مذکور را از هاتف اصفهانی نمونه‌ای برای تلمیح به شمار آوریم، چنان که از تعریف عرضه شده برمی‌آید، آنگاه مرزی بین اقتباس، عقد و تلمیح نمی‌توان یافت و مثال‌های آنها را از یکدیگر نمی‌توان تمییز داد.

چنان که ملاحظه می‌شود تعاریفی که در کتب بدیعی از اقتباس، درج و تلمیح آمده است، در بسیاری موارد مبهم و نارسا است و مثال‌های عرضه شده را کاملاً توجیه و توصیف نمی‌کند. علاوه بر آن، اصطلاحات مذکور صرفاً توصیف‌کننده تأثیر لفظی قرآن است و مفاهیم برگرفته از قرآن را در بر نمی‌گیرد. نمونه را، ابیات زیر با هیچ یک از اصطلاحات مذکور توجیه‌پذیر نیست:

۱ - اشاره به این که پیامبر چون وقت اذان فرا می‌رسید به بلال حبشی می‌فرمود: یا بلالُ اَقِمِ الصَّلَاةَ اَرْحَنًا بَهَا؛ ای بلال نماز را به پای دار و ما را بدان آسایش ده! بنگرید: مدرس رضوی، تعلیقات حدیقه، ۲۷۹.

۲ - همایی، همان.

۳ - اشاره به آیه ۶۹ سوره انبیاء: قُلْنَا يَنْتَارُ كُوفِي بَرْدًا وَسَلَّمًا عَلَيَّ اِبْرَاهِيمَ! گفتیم: ای آتش بر ابراهیم سرد و بی‌گزند باش!

۴ - وحیدیان، همان.

۵ - اشاره به آیه ۲۰ سوره یوسف: وَشَرَّوْهُ يَتَمَرَّبِ يَحْسِبُ دَرَاهِمَ مَعْدُودَةً وَكَانُوا فِيهِ مِنَ الزَّاهِدِينَ؛ او را به بهایی ارزان - درهم‌هایی چند - فروختند و در آن بی‌میل و رغبت بودند.

۶ - کاشفی، همان؛ شمیسا، همان، ۹۰.

۷ - شمیسا، همان، ۹۱.

۸ - الغدو و الأصال (بامدادان و شامگاهان) از آیه ۲۰۵ سوره اعراف، العشی و الابکار (شبانگاه و بامدادان) از آیه ۴۱ سوره آل عمران و لن ترانی (هرگز مرا نخواهی دید) از آیه ۱۴۳ سوره اعراف گرفته شده است.